



دکتر مجتهدی عمر صرف فلسفه کرد

می دانید بیش از پنجاه سال همراهی و هم داستانی چه اهمیتی دارد. دکتر مجتهدی جایگاهی پیش ما دارند که لایصف است. آنچه می گویم خیلی ساده است، هیچ تکلفی در آن نیست و راحت حرف می زنم. در مورد دکتر مجتهدی راحت می توانم حرف بزنم و هیچ شائبه ای هم در گفتارم نیست. ما بیش از پنجاه سال با هم همراه و هم داستان بودیم. اهل فلسفه با هم اختلاف رای و نظر هم دارند اما این اختلاف دوستانه است. به تعبیر «یاسپرس» نزاع علم عاشفانه و دوستانه است.

دکتر مجتهدی فیلسوفانه زندگی کرده و روابط خصوصی آن چنان که گاهی فکر می کنیم با هیچ یک از ما نداشت ولی یکدیگر را به معنای کلی لفظ دوست داشته ایم و همواره یکدیگر را احترام کرده ایم. من می خواهم فقط در مورد اخلاق ایشان حرف بزنم، دکتر مجتهدی اولین ایرانی است که در اروپا فلسفه خوانده است و دکتری فلسفه گرفته و یکی از ایرانی ترین استادان فلسفه است. او اولین کسی است که از میان ما تحقیق کرد که فلسفه اروپایی چه طور به ایران آمد و اصلا این مساله که فکر چگونه به ایران آمده است. اینکه منظم و مرتب پژوهش کند و گزارش خوب فراهم شود از دکتر مجتهدی آغاز یافت. او در اروپا تحصیل کرد و از دوره دبیرستان به اروپا رفت و پرورشی اروپایی داشت ولی با این وجود خیلی اینجایی است تا جایی که اگر دانشجویان اش لفظ فرنگی را به کار می بردند تذکر می دادند. مجتهدی با تاریخ ایران آشنا است و سعی کرد با فلسفه اسلامی نیز آشنا شود چون ما ایرانی ها بدون فلسفه اسلامی نمی توانیم تفلسف کنیم و فلسفه داشته باشیم و مهمتر از همه این موارد اینکه دکتر مجتهدی همه زندگی اش فلسفه بوده و همه عمر را فلسفه کرده است. بدون تکلف و بدون تظاهر، با تواضع فوق العاده ای که با صراحتی همراه بود که گاهی این صراحت در گفتار شاید خوشحال مان هم نکند و ناخوشایند تلقی شود. کسی که عمر صرف فلسفه می کند ممکن است از بیرون که نگاه کنند نپسندند و حتی نسبت کج سلیفگی بدهند و بگویند: آدم زندگی نکند؟ همه اش مطالعه و نوشتند؟ در حالی که باید خود را به جای شخص بگذارند چراکه من به جای دیگری نمی توانم بگویم که چه چیز مطلوب و چه چیز دوست داشتنی است. باید از دکتر مجتهدی پرسیم که شما خوش دارید چگونه زندگی کنید؟ این راه را او خواسته و انتخاب کرده است. با نگاه انصاف به زندگی دکتر مجتهدی، او بهترین زندگی را داشته است، من همواره به کار و حال مجتهدی غبطه می خورم، او بی نظیر، صادق و بی شیله پيله است، این را از هرکس که با او ارتباط داشته است پرسید که هیچ تکلف و خودستایی را در او دیده ای؟ در حالی که آدم نوازه شده و نوازه مجتهد تبریزی باشد حتی اگر قدری تکبر داشته باشد محفوظ است ولی در این پمجاه سال یکبار تظاهر به اشرافیت و اشرافیت مآبی نکرد و فکر نمی کنم کسی دیده باشد. ما چون فلسفه دوست داریم می گویم این رفتار اثر فلسفه است ولی فلسفه یکسان اثر نمی کند، فلسفه باید بر جان اشخاص اثر کند. مجتهدی درس داد، تاریخ فلسفه به ویژه تاریخ فلسفه جدید را و در مورد تقریبا همه فلاسفه جدید کتاب و مقاله نوشت و همه ایشان را می شناسیم. او حتی درباره

نویسندگان پژوهش داشته است. از فضایل او که مسلماً در اخلاق و علم دوستی و اهل فلسفه بودن او موثر است اینکه او از ادبیات شروع کرد. دکتر مجتهدی از ادبیات شروع کرد و داستان هم که نوشت به ایران توجه داشت و بعد هم آثار داستانی ایرانی را اعم از اشعار و رمان های ایرانی را مطالعه کرد و خود داستان ایرانی نوشت. از شادی های من این است همکار مجتهدی بودم. ما از وجود خوبی احساس شادی می کنیم، وقتی این چنین وجود خوبی باشد دل آدمی شاد می شود. مجتهدی از خوب های زمانه ما است. او به اعتبار فیلسوف بودن و عمر صرف فلسفه کردن مورد احترام همه ما است.